

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال ششم، شماره ۸/۱۷۸ شهریور ۱۴۰۱ / ۳۰ اوت ۲۰۲۲

امنیت روزنامه نگاران و وکلای دادگستری در ایران



## در این شماره می خوانید:

نگاهی اجمالی به چالش‌های امنیت شغلی وکلای دادگستری و روزنامه‌نگاران

بازگشتِ خدای دهه شصت و روزنامه‌نگاری کم جان و بی‌رمق در ایران

تشویق به تعرض به وکلا؛ برآیند عملکرد قضات دادگاهها در ایران

عبدالصمد خرمشاهی: دیدگاه منفی نسبت به وکلای دادگستری باید تغییر کند

وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران؛ فشارهای اقتصادی، سانسور و عدم وجود نهاد صنفی کارآمد

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، جواد عباسی توللی (همه مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: مهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است  
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

## نگاهی اجمالی به چالش‌های امنیت شغلی وکلا دادگستری و روزنامه‌نگاران



محمد مقیمی

وکالت، شغلی خطیر و حساس است و این ویژگی وکالت، از ماهیت آن ناشی می‌شود. وکیل دادگستری افزون بر وظایف قانونی، در برابر اجتماع نیز دارای تکالیفی است و نباید در برابر پدیده‌های اجتماعی بی‌تفاوت باشد و این موضوع ایجاب می‌کند که وکیل دادگستری در برابر صاحبان انواع قدرت استقلال خود را حفظ کند و نقد قدرت کند. از این رو، مخاطرات گوناگونی وی را تهدید می‌کند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدهایی که علیه این شغل خطیر وجود دارد از جانب طرف مقابل دعوا است، این موضوع به‌ویژه در کشورهای توسعه‌نیافته از جمله ایران بیشتر دیده می‌شود که علت آن را باید در فرهنگ، آموزش، قوانین نامناسب، تقصیر و قصور در مشی حکومت جستجو کرد.

بطورکلی، شغل وکالت دعاوی ماهیتی مخاطره‌آمیز دارد. چه این‌که با تضاد منافع اشخاص حقیقی یا حقوقی سر و کار دارد و وکیل هرچند سالم، درستکار و حق‌جو باشد، نمی‌تواند و نباید بی‌طرف باشد. وظیفه وکیل دفاع از حقوق موکل است و خود این موضوع بسیار چالش‌برانگیز است، چه این‌که بسیاری این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا یک وکیل باید از قاتل یا سایر متهمان یا مجرمان دفاع کند. به‌شخصه در رویارویی با این پرسش، همواره پاسخ داده‌ام؛ وکیل از عمل ارتکاب‌یافته از سوی قاتل یا دیگر مجرمان دفاع نمی‌کند، بلکه وکیل از شخص متهم یا مجرم به عنوان یک انسان که با وجود این‌که مرتکب جرم شده، از کرامت انسانی و حق دفاع برخوردار است، دفاع می‌کند. مجرم از کرامت انسانی برخوردار است به این علت که هر انسانی به ماهو انسان از کرامت برخوردار است و عوارض و آلودگی‌ها این کرامت را از او سلب نمی‌کند، بلکه ارتکاب جرم پدیده‌ای است که بر انسان به علل گوناگون از جمله نبود آموزش یا آموزش بد، کاستی

قوای دماغی، بیماری، خشم، هیجان و غیره حادث شده است و ذاتی انسان نیست. وانگهی، در جهان امروز هدف از مجازات نباید تحقیر و آزار مجرم باشد، چه این‌که صرف نظر از جنبه اخلاقی موضوع، تحقیر، آزار و خشونت علیه مجرم، پیامدهایی ناگوارتر برای شخص مجرم و جامعه در پی دارد.

از یک‌سو، در فرایند دفاع از متهم این امکان وجود دارد که به هر شکل بی‌گناهی وی اثبات گردد، یا یکی از علل رافع مسئولیت کیفری مانند جنون در خصوص وی اثبات شود. افزون بر آن متهم از حقوقی مانند حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده، مراجعه به پزشک و غیره برخوردار است. همچنین، تنها قانون باید در خصوص متهم و مجرم اجرا گردد و نباید کیفر یا رنجی بیشتر بر بزهکار تحمیل شود. این موارد تنها در پرتو حاکمیت قانون، رعایت اصول دادرسی عادلانه و برخورداری از وکیل دادگستری تحقق می‌یابد. از سویی دیگر، وکیل معلم اخلاق، دادستان، قاضی یا پلیس نیست که از وی انتظار رفتاری هم‌تراز با آنان را داشت، وظیفه وکیل دفاع از موکل در چهارچوب قانون و مقتضیات حرفه‌ای است و اگر وکیلی به هر علت، از جمله نبود صداقت از سوی موکل، پذیرش یک پرونده را مغایر با اصول حرفه‌ای خود از جمله «راستی و درستی» تشخیص داد، بهتر است از قبول وکالت وی خودداری کند یا از ادامه وکالت استعفاء دهد. ولی ایفای نقش قاضی و غیره در کسوت وکالت گذشته غیرحرفه‌ای بودن، حتی ممکن است، تخلف انتظامی نیز محسوب شود

همه موارد پیش‌گفته، بسیار چالش‌برانگیز است و کار زمانی بغرنج‌تر می‌شود که مردم، اصحاب دعوا، قضات، کارمندان دولت و حتی خود وکلاء در این خصوص خوب آموزش ندیده باشند. این موارد چالش‌برانگیز، موجب شده است که بسیاری از مردم جهان نسبت به شغل وکالت بدبین باشند. همانطور که گفته شد، زمانی که آموزش و فرهنگ مناسب نباشد، وضعیت بغرنج‌تر می‌شود. حال تصور کنید، برخی مقام‌های ارشد حکومت مانند معاون رئیس قوه قضائیه در اظهاراتی فرافکنانه نسبت به وجود فساد در میان قضات





دادگاه‌ها (البته قضات شریف و پاکدست بسیاری وجود دارد)، تقصیر را به گردن وکلای دادگستری می‌اندازد، یا در تولیدات صدا و سیما و سینما یک شخصیت منفور را در کسوت وکیل نشان می‌دهند. بنابراین، در پیش گرفتن این سیاست نابخردانه از سوی مسئولان نظام، در واقع یک آموزش منفی است که به مشکلات در این باره دامن می‌زند. افزون بر این، به نظر می‌رسد، خشونت در جامعه ایرانی نهادینه شده است و عملکرد جمهوری اسلامی نیز بدان شدت بخشیده است که یکی از پیامدهای آن قتل، ضرب و جرح وکلای دادگستری است. این موارد، می‌تواند به آزادی عمل، امنیت جانی و شغلی و کیفیت اجرای وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری آسیب جدی بزند و حق دفاع متهمان را که از حقوق بنیادین شهروندان است، خدشه دار کند. برای نمونه، یکی از پیامدهای آن می‌تواند، پذیرفتن پرونده‌های مخاطره‌آمیز از سوی وکلای دادگستری باشد، این مورد که علاوه بر احساس خطر، ممکن است به علت فشار اجتماعی ناشی از بدبینی به حرفه وکالت باشد در شهرهای کوچک بیشتر نمود پیدا می‌کند. اگرچه همواره وکلای شجاعی هستند که با وجود همه این خطرها، تهدیدها و چالش‌ها به وظایف حرفه‌ای خود پایبند هستند.

شایان ذکر است، در کانون‌های وکلای دادگستری کشورمان، نهادی به نام کمیسیون حمایت وجود دارد که وظیفه اعضای آن دفاع از وکلایی است که علیه آنان پرونده‌ای به دلیل اعمال وظایف وکالتی تشکیل شده است. بنابراین، در این صورت یک وکیل از میان اعضای این کمیسیون به عنوان نماینده کانون وکلای به انتخاب رئیس کانون برای نظارت بر روند دادرسی در جلسه محاکمه حاضر خواهد شد. افزون بر این، هیات مدیره کانون‌های وکلای دادگستری برای رفع مشکلات و چالش‌های پیشروی جامعه وکلای همواره با نهادهای مختلف اعم از دولتی و غیردولتی در حال تعامل هستند و شایسته است، قوه قضائیه و دیگر نهادهای حکومت از دیدگاه حرفه‌ای و کارشناسی شده کانون‌های وکلای دادگستری در خصوص امنیت وکلای و

موضوع‌های دیگر بهره ببرند. اگرچه این مهم، مستلزم تغییر نگرش حاکمیت و رعایت اصول حکمرانی مطلوب و موازین دموکراتیک است. بنابراین، برای بهبود امنیت وکلای دادگستری و پیشگیری از روی دادن چنین حوادث ناگواری موارد زیر پیشنهاد می‌گردد.

۱- آموزش مردم، قضات، کارمندان دولت، دولتمردان و وکلای دادگستری در خصوص فرهنگ وکالت.

۲- مقامات قضایی و حکومتی از اظهارت نسنجیده و مغرضانه نسبت به وکلای دادگستری بپرهیزند.

۳- صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها و مراکز فرهنگی از تولید محصولات مغرضانه و کذب علیه جامعه وکلای خودداری کنند (منظور سانسور یا نقض آزادی بیان در مواردی که کاستی یا تخلف وجود دارد نیست، چه این‌که در این صورت بیان حقیقت و انتقاد به نفع مردم و جامعه وکلای خواهد بود).

۴- تصویب قانون حمایت از وکلای دادگستری.

۵- در پرونده‌هایی که احتمال آسیب رساندن به وکیل وجود دارد یا در مواردی که بنابر تهدید یا وجود دلیل، یک وکیل از پلیس درخواست کند، پلیس نسبت به تامین امنیت وی اقدام‌های لازم را انجام دهد.

مساله دیگری که از اهمیت بالایی برخوردار است، امنیت شغلی روزنامه‌نگاران است، این صنف بیشتر از سوی حکومت مورد تهدید قرار می‌گیرند. یکی از روش‌هایی که جمهوری

اسلامی برای متوقف ساختن فعالان، جامعه مدنی و مخالفان در پیش گرفته است، سوءاستفاده از دادگاه‌ها است. در واقع، قوه قضائیه که مکلف به تحکیم حاکمیت قانون و برقراری عدالت است، به دستگاه سرکوب حکومت مبدل شده است، روزنامه‌نگاران یکی از قربانیان این روش ناپسند جمهوری اسلامی هستند. جایگاه رسانه آزاد به قدری مهم است که از آن در کنار سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود. در واقع، یکی از شاخص‌های یک جامعه دموکراتیک وجود رسانه آزاد است که در پرتو آن گردش آزاد اطلاعات صورت پذیرد و ارمغان آن مواردی چون شفافیت، نقد صاحبان قدرت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و غیره است. افزون بر آن، افکار عمومی به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای حقوق و بطور خاص حقوق بشر از طریق رسانه‌های آزاد است که می‌تواند نسبت بدان چه در جامعه می‌گذرد، آگاه شود. با وجود این، جمهوری اسلامی که بهره‌ای از دموکراسی نبرده است، از یک سو با اصول و موازین دموکراتیک بیگانه است و احکام و موازین اسلامی را جامع و مترقی‌تر از موازین دموکراتیک، اصول حکمرانی مطلوب و حقوق بشر می‌پندارد (بدون این‌که از ادعا و کلی‌گویی دست بردارد و اصولی جایگزینی عرضه کند). از سویی دیگر، به خوبی می‌داند اگر این اصول از جمله رسانه آزاد را به رسمیت بشناسد و بدان احترام بگذارد، چون نوری

بر تاریکخانه‌های نظام موجب هویدا شدن فساد سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و... می‌گردد، در نتیجه به علت نداشتن جایگاه مردمی باید صحنه قدرت را ترک کند. بنابراین، با همه توان و بصورتی وقیحانه در برابر هرگونه افشاگری از سوی روزنامه‌نگاران مقابل می‌شود. چنان‌که بسیاری از روزنامه‌نگاران پس از افشاگری به اتهام‌های واهی محاکمه و به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند، در حالی که آنان شایسته قدیر و تشویق بوده‌اند. برای نمونه، می‌توان به پرونده یاشار سلطانی اشاره کرد که پس از رسانه‌ای کردن اسناد مربوط به جنجال خانه‌های نجومی و خبر سوءاستفاده شهرداری تهران از پارک لویزان در جریان مراسم عروسی دختر قالیباف به اتهامات جمع‌آوری و انتشار اطلاعات طبقه‌بندی شده مربوط به سازمان بازرسی کشور، نشر مطالب خلاف واقع به قصد تشویش اذهان عمومی، افترا نسبت به شرکت عمران تکلار و تهدید نسبت به شرکت عمران تکلار به پنج سال حبس محکوم و به مدت ۲ سال نیز از عضویت در احزاب، گروه‌ها، دسته‌های سیاسی، فعالیت در فضای مجازی، رسانه‌ها، مطبوعات و خروج از کشور محروم شد. این تهدیدها، سرکوب‌ها و تعطیلی مطبوعات منتقد حکومت، از یک سو، ایران به یکی از کشورهای ناامن برای روزنامه‌نگاران تبدیل شود و از سوی دیگر، خلاء ناشی از رسانه آزاد، جامعه را از مزایای گردش آزاد اطلاعات به عنوان یک حق بنیادین بشر که بر همه حقوق دیگر تاثیرگذار است، محروم ساخته است. اگرچه به یاری اینترنت و فضای مجازی این خلاء تا حدود زیادی رفع شده، ولی روزنامه‌نگاران و شهروندان فعال در فضای مجازی در داخل کشور همچنان در معرض خطر قرار دارند.

بنابراین، به‌طورقطع در خصوص روزنامه‌نگاران شایسته است، یک قانون حمایتی تصویب شود. ولی پیش‌نیاز آن پایبندی جامعه و حکومت به موازین دموکراتیک و اصول حکمرانی مطلوب از جمله مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، عدالت و دادگستری مستقل است، وگرنه صرف تصویب قانون نمی‌تواند موثر باشد.



## بازگشتِ خدای دهه شصت و روزنامه‌نگاری کم‌جان و بی‌رمق در ایران



جواد عباسی توللی

اوایل تیرماه امسال، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در دیدار با شماری از شبه نظامیان وابسته به حکومت معروف به «بسیجی‌ها»، از آنها خواست در مواجهه با اعتراضات مردمی، غافلگیر نشوند و تجربه کمیته‌های انقلاب در دهه ۶۰ را مجدداً احیا کنند.

او در این سخنرانی، خواستار بازگشت کشور به سال‌های ابتدایی شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی در ایران شد. در روزها و ماه‌های پس از این سخنرانی، فشارها بر جامعه مدنی ایران بیش از پیش شدت یافت و در این بین، رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران با سرکوب‌ها و برخوردهای امنیتی مضاعف روبه‌رو شدند.

از طرف دیگر، در سال‌های اخیر، حکومت ایران همواره تلاش کرده است تا هر چه بیشتر، دسترسی شهروندان به اینترنت را محدود کند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده از سوی منابع خبری، سانسور اینترنت در ایران به مثابه یکی از آشکارترین موارد نقض حق دسترسی آزادانه شهروندان به اخبار و اطلاعات است که به ویژه پس از اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ و در سال‌های پس از آن شدیدتر شده است. مجله حقوق ما، در گفت‌وگو با نعیمه دوستدار، مدافع حقوق زنان و روزنامه‌نگار ایرانی ساکن سوئد، دلایل افزایش فشارها بر روزنامه‌نگاران در ایران را بررسی کرده است.

**حقوق ما: به نظر شما، دلایل افزایش فشارها بر روزنامه‌نگاران در سال‌های اخیر چیست و این موضوع تا چه میزان با خواست خامنه‌ای مبنی بر بازگشت به فضای دهه ۶۰ مرتبط است؟**

دوستدار: با این موضوع موافق نیستم که به‌گونه‌ای مقایسه‌ای نسبت به زمان‌های پیشین، فشار بر روزنامه‌نگاران افزایش یافته باشد اما موافقم که نوع برخورد نسبت به فعالان رسانه‌ای و روزنامه‌نگاران تفاوت داشته و حوزه‌هایی که در رابطه با آنها سرکوب افزایش یافته، تغییراتی داشته است. با توجه به بازداشت‌های اخیر می‌بینیم که افراد بازداشتی به‌طور مشخص فعالیت سیاسی نداشته‌اند اما موضوعات حوزه اجتماعی که مورد حساسیت حکومت است را دنبال می‌کرده‌اند. در حال حاضر، نسبت به دوره‌ای که روزنامه‌نگاران به دلیل موضوعات سیاسی بازداشت می‌شدند، تفاوت‌هایی ایجاد شده است. هم‌اکنون افرادی تحت فشار و سرکوب قرار می‌گیرند که دست به افشاگری

در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی زده یا با افشاگری‌شان، تابوها و مسائل و افراد مذهبی را به چالش می‌کشند. بدین ترتیب حکومت تا حد زیادی در حوزه‌هایی مانند حقوق زنان توانسته بسیاری از روزنامه‌نگاران را پیشاپیش ساکت یا با خود هم‌سو کند یا افراد تأثیرگذار را با سرکوب‌های قبلی از کشور براند. در عین حال اما فضاهای تازه‌تری هم در محتوا و هم در پلتفرم ایجاد شده است. برخی از روزنامه‌نگارانی که دست به افشاگری زدند و بازداشت شدند، هنوز در رسانه‌ای مطلبی را منتشر نکرده بودند بلکه از پلتفرم‌های شخصی خود برای طرح موضوع استفاده کرده بودند. منظور این است که در سال‌های اخیر، هم حساسیت‌ها و هم پلتفرم‌های مورد استفاده روزنامه‌نگاران تغییر یافته‌اند. همچنین، پلتفرم‌های غیررسمی الان بیشتر زیر ضرب قرار دارند. امروزه، افشاگری، نوشتن و حضور روزنامه‌نگاران در توییتر و شبکه‌های اجتماعی حساسیت‌برانگیزتر است.

**حقوق ما: با توجه به آنچه مواردی که اشاره کردید، به نظر شما، در حال حاضر مفهوم خبرنگار مستقل در مقایسه با دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی چه تغییری کرده است؟**

دوستدار: در گذشته فضایی برای مستقل عمل کردن خبرنگاران وجود نداشت به این معنا که اگر روزنامه‌نگاری هم مستقل بود، فضای گسترده‌ای برای اینکه محتوای مورد نظرش را مستقلاً منتشر کند، وجود نداشت. البته آن دوران، دوران وبلاگ‌ها بود و در همان دوره هم افرادی بودند که از فضای وبلاگ برای اطلاع‌رسانی استفاده می‌کردند اما عمده روزنامه‌نگاران به فعالیت در روزنامه‌ها، پیش از اینکه به سایت تبدیل شوند، وابسته بودند و روزنامه‌ها و مجلات غالباً به نوعی وابستگی حکومتی داشتند. تعداد نشریات مستقل که وابستگی جناحی نداشتند به قدری کم بود که امکان فعالیت رسانه‌ای مستقل بسیار محدودتر از سال‌های اخیر بود. فشارها، سرکوب‌ها و زدو بندها هم در همان فضا صورت می‌گرفت.

اما در حال حاضر، همه فعالان رسانه‌ای، چه در جایگاه روزنامه‌نگار و چه به‌عنوان شهروند عادی، با سهولت بسیار بیشتری به فضا و تریبون‌هایی دسترسی دارند که اگر به هر ترتیبی نتوانستند در رسانه‌ای رسمی، مطلبی را منتشر کنند یا به موضوعی بپردازند، از فضای شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. تعداد کسانی که به این فضا دسترسی دارند به مراتب نسبت به گذشته افزایش یافته است. در واقع شرایط فعلی، امکانی را فراهم کرده که روزنامه‌نگاران از اجباری که احساس می‌کردند باید در رسانه‌ای حتماً مشغول به کار باشند و گرنه حیات فعالیت‌شان در مخاطره قرار خواهد گرفت، رها شوند. در سال‌های اخیر روزنامه‌نگارانی که در فضای داخلی کشور امکان فعالیت از آنها سلب شده و تحت فشار بوده‌اند، توانستند تریبون

وصیت‌نامه  
الهی  
سیاسی  
امام‌در  
اجرا امروز



عهدی صاحب‌زمان صاحب‌عزاست امروز



مورد ولایت آیت‌الله  
خامنه‌ای

بیکرمطهر امام  
امروز تشیع می‌شود

نماز بر بیکرمطهر امام خمینی  
رضوان الله علیه به امامت حضرت  
آیت‌الله العظمی گلپایگانی در  
بسلای و هاج برگزار می‌شود

# وصیت‌نامه امام خمینی قانون جاودانه انقلاب اسلامی

شخصی خود را به عنوان یک فرد یا رسانه در شبکه‌های اجتماعی ایجاد و حفظ کنند.

**حقوق ما:** خواسته خامنه‌ای بازگشت به دوران دهه ۶۰ است. به نظر شما چقدر این موضوع بر میزان سانسوری که دولت و نهادهای دولتی اعمال می‌کنند، تاثیر داشته است؟ ارزیابی شما از مساله آزادی رسانه در ایران چیست؟

دوستدار: اینکه حاکمیت و در صدر آن خامنه‌ای و سپس دولت فعلی، در کنار سایر نهادهای قدرت مانند مجلس و نهادهای امنیتی همگی دست‌به‌دست هم داده تا فضا را به آنچه که شبیه به دهه ۶۰ است، نزدیک‌تر کنند، چیزی است که نشانه‌های آن به وضوح قابل مشاهده است. این‌گونه سیاست‌ها را در بخش فرهنگی و در حوزه آزادی مطبوعات، رسانه و هنر و سینما به‌طور رسمی و علنی اعلام و اعمال

می‌کنند. با توجه به برخورد وزارت ارشاد با هنرمندان و روزنامه‌نگاران و همچنین تاکید وزیر ارشاد بر عمل‌گرایی در مقایسه با دولت‌های پیشین در انجام رسالت رساندن مردم به سعادت مورد نظر خود، طبیعی است که فضای آزادی بیان تنگ‌تر شده است.

به نظر من، زمانی برخی چهره‌ها جرات پیدا می‌کنند که خلاف موج‌ها گام بردارند یا مسائلی را مطرح می‌کنند که با چارچوب‌های موجود ناسازگار است، برخورد‌های شدیدی مثل ممنوع‌الکار شدن و اخراج را مشاهده می‌کنیم. در عین حال، فضایی حاکم است که اکثر سنگرها و عرصه‌های مطبوعاتی داخل کشور در تسلط حکومت و هسته سخت قدرت قرار دارد. به همین دلیل است که صدای متفاوت و متعادل‌تر را کم‌تر می‌توان شنید. از همین روست که احساس نیاز برای توقیف رسانه‌ای هم دیگر وجود ندارد. در واقع شریان آزادی بیان از همان ابتدای منبع با جلوگیری از ورود افراد متفاوت و دگراندیش بسته شده

است. از همه بدتر اینکه افرادی که انگیزه‌های محکم‌تری برای مقاومت داشتند، یا ساکت شدند یا پیش‌تر از کشور خارج شده‌اند.

**حقوق ما:** به نظر شما، با توجه به روند مهاجرت روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، وضعیت مطبوعات در ایران چگونه پیش خواهد رفت؟

دوستدار: من چشم‌انداز روشنی نمی‌بینم چراکه روزنامه‌نگاری به غیر از فراگیری آکادمیک، به نسل‌هایی احتیاج دارد که بتوانند پشتوانه یکدیگر بوده و قادر باشند نسل بعدی خود را پرورش دهند. هم‌اکنون شرایطی در داخل ایران حکم فرماست که خلاهایی را در این زمینه ایجاد کرده است. افراد توانمندتر در عرصه روزنامه‌نگاری که مقاومت بیشتری در برابر سانسور داشتند، یا دیگر فضایی برای فعالیت نداشتند یا از کشور خارج شده‌اند. آن‌هایی که باقی مانده‌اند هم حتی

اگر نتوانند به عنوان روزنامه‌نگار از کشور خارج شوند، به هر ترتیبی دست به مهاجرت می‌زنند. اتفاق دیگر این است که بسیاری از آن‌ها از عرصه روزنامه‌نگاری خارج شده و وارد حوزه‌های دیگری شده‌اند. به همین دلیل، خلاء موجود یک مساله ملموس است. فضا تا حد بسیار زیادی در اختیار تفکر جناح حاکم و حامیانش قرار گرفته و آنچه که مشاهده می‌شود این است که فضای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری تقریباً کم‌جان و بی‌رسم است. در عوض فضای تبلیغاتی و پروپاگاندای حکومتی در سایت‌ها و رسانه‌های وابسته به نهادهای متفاوت قدرت و زیر نفوذ نیروهای امنیتی، به مراتب گسترده‌تر شده است. به این ترتیب آن‌ها جریان رسانه‌ای در داخل کشور را در دست گرفته‌اند. اگر به هر دلیلی تعداد معدودی از افراد مستقل حرفه‌ای که همچنان در داخل ایران هستند از عرصه خارج شوند، دیگر نمی‌توان از چیزی به عنوان روزنامه‌نگاری در داخل کشور یاد کرد.



## تشویق به تعرض به وکلا؛ برآیند عملکرد قضات دادگاه‌ها در ایران



در زمینه تأمین امنیت جانی و صیانت از وکلای دادگستری در ایران، خلاءهای قانونی وجود دارد. در ماه‌های اخیر، ضرب و جرح، قتل و آسیب‌رسانی به وکلای دادگستری نسبت به گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است. از سوی دیگر، قوه قضائیه، نهادهای امنیتی یا نهادهای ذی‌ربط، تاکنون هیچ‌گونه اقدام پیشگیرانه یا واکنش مؤثری برای حفاظت از جان وکلای دادگستری انجام نداده‌اند.

همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد، تریبون‌های رسمی و دولتی در ایران نظیر صدا و سیما، به جای فرهنگ‌سازی درباره نقش وکلا در فرآیند یک دادرسی عادلانه، همواره به تبلیغ منفی علیه جایگاه وکلا و ایجاد هجمه علیه آنان پرداخته‌اند. رویکرد اتخاذ شده از طرف رسانه‌های دولتی در ایران در حالی است که در سال‌های اخیر، قوه قضائیه هم بارها با صدور آئین‌نامه‌های مختلف از یک‌سو و ایجاد محدودیت و فشار بر وکلای دادگستری در مراجع قضائی از سوی دیگر، به نوعی در جهت تضعیف جایگاه وکلا تلاش کرده است. طبق گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها، در حال حاضر وکلای دادگستری حتی برای ورود به مراجع قضائی با تفتیش بدنی و برخورد‌های اهانت‌آمیز دیگر مواجه می‌شوند.

مجله حقوق ما، درباره وضعیت وکلای دادگستری در ایران، با حسین مهر اندیش، وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز گفت‌وگو کرده است.

**حقوق ما: به نظر شما، این رویکرد خصمانه قضات دادگاه‌ها**

**در ایران نسبت به وکلای دادگستری، از کجا ناشی می‌شود؟** مهر اندیش: به نظر من، یکی از دلایل عمده چنین رویکردی در مراجع قضایی ایران، عدم تسلط قضات بر پرونده‌ها و نداشتن سواد کافی است. بالطبع، زمانی که قضات، سواد کافی برای رسیدگی به پرونده‌ها نداشته باشند، یک نوع دیدگاه غیر علمی بر قوه قضائیه حاکم خواهد شد. در چنین شرایطی، عموماً قاضی با یک وکیل مجرب و یک وکیل که احاطه کاملی بر قوانین دارد و می‌تواند ایرادات دادرسی را به قاضی گوشزد کند

**حقوق ما: بررسی‌ها نشان می‌دهد قوه قضائیه در عمل، هیچ‌گونه صیانتی از وکلا در برابر حملات و تعرض‌ها نمی‌کند. به نظر شما در چنین شرایطی، چه قوانین حمایتی‌ای در این زمینه باید در کشور وجود داشته باشد؟**

مهراندیش: نخست باید بگویم که یک وکیل همانند سایر شهروندان این حق را دارد که در برابر هر خطری از او محافظت شود و مصونیت داشته باشد. همان‌گونه که اگر در هر مکانی به یک شهروند تعرض شود، قوه قضائیه و پلیس، وظیفه حفاظت

### حقوق وکلا چیست؟

مهران‌دیش: در اینجا نقش اساسی دقیقاً متوجه کانون وکلا است. بدین معنی که، تنها نهاد مدنی و تنها مرجعی که می‌توان از آن انتظار واکنش و پیگیری داشت، کانون وکلا است و کانون‌های وکلا در هر استان و به‌طور کلی اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا باید در این زمینه پیگیر باشند.

متأسفانه در حال حاضر تعداد اشخاص متعهد و افرادی که با اتکا به سوگند نامه‌های خود در هیئت مدیره کانون‌های وکلا فعالیت داشته‌اند، بسیار کم شده است. برای نمونه، در سال‌های قبل، زنده یاد بهمن کشاورز یکی از چهره‌های پیگیر مشکلات وکلا بود و به‌عنوان مثال، در ارتباط با مشکلاتی که برای من از طرف مراجع قضایی پیش آمد، بدون اینکه مرا از نزدیک بشناسد و صرفاً بابت تعهدی که به حرفه خود داشت، با وزارت کشور، فرماندهی نیروی انتظامی کل کشور و مراجع دیگر نامه‌نگاری کرد و مشکلات ایجاد شده برای من را پیگیری کرد. به‌نظر من، پرسش‌گری و پیگیری امورات وکلا نظیر رویکردی که توسط زنده یاد بهمن کشاورز دنبال می‌شد، نیازمند یک تدبیر ویژه است و در حال حاضر چنین تدبیری در میان بسیاری از مدیران فعلی کانون‌های وکلا وجود ندارد. مدیران فعلی در واقع بسیار محافظه‌کارانه عمل می‌کنند. علت اصلی این روند هم این است که تایید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی اعضای هیئت مدیره کانون‌های وکلا، توسط دادگاه عالی انتظامی قضات انجام می‌شود و در واقع کانون‌های وکلا به‌نوعی، دچار یک دور باطل شده‌اند و اعضای هیئت مدیره می‌دانند که اگر در زمینه حقوق وکلا و امور دیگر پیگیر باشند، کم‌ترین اتفاق این است که در دوره بعدی انتخابات، بار صلاحیت مواجه خواهند شد. به عبارتی دیگر، وکلایی که در حال حاضر در جایگاه هیئت مدیره هستند، اگر به فکر دوره بعدی خود نباشند، بسیاری از مشکلات وکلا حل خواهد شد. درد امروز جامعه وکلا این است. مشکل اینجاست که وکلایی که امروز عضو هیئت مدیره کانون هستند، تلاش می‌کنند که در دوره بعد هم در هیئت مدیره حضور داشته باشند و نمی‌خواهند بعداً صلاحیت شوند.



و حتی می‌تواند این ایرادات را به مراجع قضایی و مراجع اداری بالاتر منعکس کند، رفتار خصمانه‌ای خواهد داشت.

اگر قضات دادگاه‌ها در ایران، از میان افراد با سواد حقوقی کافی انتخاب شوند، آن‌گاه چنین افرادی، حضور یک وکیل را به‌عنوان یک غنیمت و به قول وکلای پیشکسوت در ایران، به‌عنوان یک چراغ راه و کمک بسیار بزرگ برای کشف حقیقت تلقی خواهند کرد.

در واقع، در روند دادرسی، ممکن است بسیاری از موارد از معرض دید قاضی دور بماند و حضور یک وکیل می‌تواند به بهترین شکل برای انجام یک دادرسی عادلانه موثر باشد و بهترین نتیجه را در کشف حقیقت، عاید اصحاب دعوی کند.

موضوع مهم‌تر در این زمینه این است که در اکثر پرونده‌هایی که در مراجع قضایی ایران تشکیل می‌شود، به‌صورت تعمدی، قانون رعایت نمی‌شود. این هم به این دلیل است که یک قاضی یا پرسنل قضائی، در تشکیل پرونده‌ها با رویکرد شخصی و برای خدمات رسانی به دوستان و آشنایان خود دخالت می‌کنند و این دخالت کردن، با حقوق طرف دیگر دعوی، منافات دارد. از طرف دیگر، گاهی دخالت در تشکیل پرونده‌های قضایی، به قصد انجام یک عمل مجرمانه و انجام یک تخلف است. در چنین مواردی، حضور وکلای دادگستری در چنین پرونده‌هایی، فقط مانع محسوب نمی‌شود بلکه از نظر افراد و قضات متخلف، حضور وکلا می‌تواند یک معضل و مشکلی بزرگ برای آنها ایجاد کند. از این‌رو در این موارد تلاش می‌کنند از حضور وکیل در پرونده‌ها جلوگیری کرده و جایگاه او را حذف کنند.

نکته بعدی هم که باید در اینجا یادآور شوم، ناظر بر مشکل برخی از وکلایست. در چنین شرایطی، وکلا باید بر سوگندهایی که خورده‌اند پایدار بمانند و مقاومت کنند. در برخی از موارد مشاهده شده که متأسفانه برخی از همکاران، به دلایلی که در بالا گفته شد، عطای پرونده‌ها را به لقای آنها می‌بخشند و حتی دیده شده از حق الوکاله خود هم می‌گذرند.

**حقوق ما: وظیفه کانون‌های وکلا در برابر تعرض و تضییع**



بر اساس آخرین گزارش‌های منتشر شده از حمله به وکلای دادگستری در ایران، نصیر فرخ نژاد (رشنو)، وکیل پایه یک دادگستری در استان لرستان، در روز ۱۹ شهریورماه، با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید.

وقوع این قتل در حالی است که طبق اخبار منتشر شده در رسانه‌ها، از ابتدای سال ۱۴۰۱ تاکنون، فرخ نژاد، هشتمین وکیل دادگستری‌ای است که به جان او سوء قصد شده است. پیش از او، یک وکیل دادگستری دیگر به نام جعفرآقایی، در مردادماه، در سمنان به قتل رسید و شش وکیل دیگر هم در شش ماهه اول سال، مورد سوء قصد واقع شده‌اند.

عبدالصمد خرمشاهی، مدافع حقوق بشر و از وکلای پیشکسوت دادگستری در ایران، بر این باور است که پیش از هرچیز، باید رویکرد «وکیل ستیزی» و نگاه فرهنگی منفی نسبت به وکلا در ایران تغییر کند.

مجله حقوق ما، در پیوند با موضوع «امنیت جانی وکلای دادگستری در ایران» و دلایل عدم حمایت از وکلا در ایران، با این وکیل دادگستری گفت‌وگو کرده است.

**حقوق ما: در ماه‌های اخیر، به نظر می‌رسد شدت تهدیدات و حملات جانی به وکلای دادگستری در ایران افزایش یافته است. در چنین شرایطی، آیا اساساً مکانیسم حقوقی مشخصی برای تأمین امنیت وکلا در ایران وجود دارد؟**

خرمشاهی: در این رابطه قانون مشخصی که نگاه حمایتی برای تأمین امنیت جانی داشته باشد، وجود ندارد. هرچند در «قانون وکالت» مفادی برای حمایت از وکلا گنجانده شده اما در این قانون، تنها به مواردی نظیر توهین به وکلا یا نحوه برخورد با افرادی که خود را وکیل جا می‌زنند و مانند آنها، پرداخته شده است. باید گفت چه در این قانون و چه در قوانین کیفری، در ارتباط با ضرب و جرح وکلا و صیانت از آنها، ماده قانونی ویژه‌ای لحاظ نشده است.

**حقوق ما: با این اوصاف، در راستای تأمین امنیت وکلا چه راهکارهایی وجود دارد؟ و در این بین، وظیفه نهادهایی مانند مجلس و قوه قضائیه چیست؟**

نخست باید این نکته را یادآور شوم که پیش از هرچیز، رویکرد فرهنگی عامه نسبت به وکلا باید تغییر کند. بدین معنی که نگاه افراد جامعه نسبت به شخصیت و جایگاه وکیل باید متحول شود. مادام که در رابطه با جایگاه، شغل و وظایف وکلای دادگستری در ایران، نگاه مثبت و شفاف وجود نداشته باشد، هیچ تضمینی وجود ندارد که مسائلی نظیر ضرب و جرح وکلا در آینده هم تکرار نشود.

حقوق ما: به نظر شما، نوع نگاه جامعه و نهادهای دیگر به وکلا چگونه ممکن است تغییر کند؟ چه راهکاری برای تغییر مدنظر شما وجود دارد؟

این امر مستلزم این است که رسانه‌ها و مطبوعات و به‌ویژه صدا و سیما، آگاهی لازم را درباره جایگاه و رسالت وکیل برای عامه مردم تبیین کنند. حتی در قانون اساسی ایران و در فصل حقوق ملت، بر حضور وکلا در فرآیند دادرسی عادلانه تأکید شده است. متأسفانه در حال حاضر چنین آموزش و رویکردی در جامعه ما وجود ندارد.

به دلیل همین عدم آگاهی کافی در مورد جایگاه وکلا، در بسیاری از مواقع، طرف دیگر پرونده، وکیل پرونده را به نوعی طرف مقابل خود فرض می‌کند و بسیاری از طرفین دعوی، از این مسأله اطلاع ندارند که وکیل، از نفس کار موکل دفاع نمی‌کند. باید به همه شهروندان این آگاهی داده شود که یک وکیل، صرفاً از حقوقی که هر موکل دارد، دفاع می‌کند. به عبارت دیگر، وکیل هیچ‌گاه از جرایم دفاع نمی‌کند بلکه وظیفه وکیل، استیفای حقوقی است که قانون‌گذار به طرفین دعوی یعنی شاکی و متهم (یا در دعاوی حقوقی، خواهان و خوانده) داده است.

در واقع کار یک وکیل، در کنار قاضی، شفاف‌سازی جزئیات یک پرونده است. بر همین مبنا، همواره وکیل و قاضی را «دو بال فرشته عدالت» دانسته‌اند.

بنابراین رویکرد فعلی در جامعه نسبت به وکلا باید تغییر کند و مردم به حدی از آگاهی برسند که وکیل دادگستری را طرف اصلی دعوی خود یا دشمن خود نبینند. تا زمانی که چنین نگاهی به وکلا در ایران وجود دارد، نمی‌توان به آینده‌ای بهتر برای امنیت جانی وکلا امیدوار بود.



همان‌طور که می‌دانیم در جوامع پیشرفته، حمله فیزیکی به وکلا از سوی طرفین دعوی یا به‌طور کلی وجود ندارد یا اینکه به ندرت اتفاق می‌افتد. چراکه شهروندان در چنین جوامعی، کاملاً اطلاع دارند که یک وکیل چه نقشی را در مراحل دادرسی داراست.

از طرف دیگر، بخشی زیادی از چنین رویکردی نسبت به وکلا به برخی از مواردی بازمی‌گردد که در رسانه‌ها علیه وکلا مطرح می‌شود. به‌عنوان مثال، نقش‌های منفی‌ای که در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی به وکیل داده می‌شود، باید وجود نداشته باشد چرا که چنین تبلیغاتی، چهره وکلا را در اذهان عمومی مخدوش خواهد کرد. بنابراین پیش از هر اقدام دیگری، در وهله اول باید نگاه عوام به جایگاه و نقش وکیل تغییر کند، در غیر این صورت، حتی نمی‌توان به تصویب قوانین حمایتی هم امیدوار بود. کما اینکه اگر هم چنین قوانینی تصویب شود، به تنهایی چاره کار نخواهد بود.

**حقوق ما: وظیفه آموزش بر عهده کیست؟ کدام نهاد به‌طور مشخص مسئول فرهنگ سازی در باره وکلا است؟**

خرمشاهی: صدا و سیما و رسانه‌های دیگر، نه تنها در این زمینه بلکه در بسیاری از موارد دیگر، نقش اصلی را در فرهنگ سازی دارند. در واقع، رسانه‌های جمعی مانند صدا و سیما، باید به‌عنوان دانشگاهی باشد که به طرز مختلف، مسائل گوناگون از جمله رویکرد مثبت نسبت به وکلا را به جامعه آموزش دهد. این نهاد می‌تواند از طریق ساخت برنامه‌ها و سریال‌ها در این زمینه و همچنین با ارائه برنامه‌هایی با محتوای «تدریس حقوق برای مردم»، جایگاه وکیل را برای مردم تبیین کند. مسلماً اتخاذ چنین تدابیری در تغییر وضعیت موجود، تأثیرگذار خواهد بود.

به‌عنوان مثال، در حوزه قوانین مربوط به خانواده، حتی زوجین و شهروندان تحصیل کرده هم از قوانین مرتبط با اموری نظیر ازدواج، طلاق و موارد دیگر به اندازه کافی اطلاع ندارند و برای نمونه از موضوعاتی مانند نشوز، تمکین و حقوق دیگر بی‌اطلاع هستند. همچنین در مبحث، معاملات و خرید و فروش باید قوانین مربوطه با زبان ساده از طریق صدا و سیما آموزش داده

شود. مسلماً زمانی که افراد جامعه به حقوق خود و همچنین به قوانین موجود، به‌طور نسبی تسلط و آگاهی پیدا کنند، نه تنها دعاوی حقوقی و شکایات کیفری در محاکم کاهش پیدا می‌کند، بلکه نگاه منفی نسبت به جایگاه وکیل هم تا حد زیادی از بین خواهد رفت.

بیشترین مشکلاتی که در محاکم و مراجع قضایی از سوی طرفین دعوی اتفاق می‌افتد، ناشی از جهل عامه مردم به قوانین مربوطه است. بنابراین صدا و سیما می‌تواند نقشی بسیار سازنده در این رابطه ایفا کند چرا که اولین گام برای بهبود وضعیت فعلی، آموزش دادن به مردم است. کما اینکه در ماده یک از قانون مطبوعات هم تأکید شده است که وظیفه رسانه‌ها، آگاهی دادن به مردم در زمینه‌های مختلف است. درست است که بخشی از چنین رویدادهایی به عدم تحمل و مدارای مردم بازمی‌گردد اما بخش اصلی آن، به این موضوع مربوط می‌شود که آموزش کافی به مردم داده نشده است.

**حقوق ما: پس از حمله‌هایی که در ماه‌های اخیر به وکلای دادگستری شد، کانون وکلا چه اقدام موثری برای محافظت از وکلا انجام داد؟ آیا این نهاد واکنش در خوری از خود نشان داد؟**

خرمشاهی: کانون‌های وکلا عکس‌العمل زیادی در این زمینه از خود نشان نداده‌اند. واکنش کانون وکلا حداکثر در صدور یک بیانیه خلاصه شد. همچنین آن حمایتی که از کانون وکلا انتظار می‌رفت و اقداماتی که لازم بود تا افکار عمومی در جریان قرار بگیرند، انجام نشد یا دست‌کم من هنوز چنین حمایت و اقدامی مشاهده نکرده‌ام.

به‌هرحال صرف بیانیه دادن یا درخواست از مراجع قضایی برای برخورد با افرادی که به وکلا حمله کرده‌اند و متجری هستند، اقدام موثری نخواهد بود و نمی‌توان انتظار داشت که با چنین رویکردی، این‌گونه رویدادها در آینده دوباره رخ ندهد. من فکر می‌کنم که کانون‌های وکلا باید به‌صورت عملی تصمیمات جدی‌تری در این زمینه بگیرند.





## وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران؛ فشارهای اقتصادی، سانسور و عدم وجود نهاد صنفی کارآمد



براساس آخرین رده بندی ارائه شده از سوی سازمان گزارشگران بدون مرز، ایران یکی از بدترین ۱۰ کشور دنیا در زمینه آزادی رسانه‌ها است و حکومت ایران همچنان یکی از سرکوب‌گرتترین دولت‌ها برای روزنامه‌نگاران محسوب می‌شود.

طبق داده‌های موجود در این گزارش، ایران در سال ۲۰۲۲، از میان ۱۸۰ کشور جهان، رتبه ۱۷۴ را داراست.

در سال‌های اخیر، به دلیل برخورد نهادهای امنیتی ایران با پوشش اخبار مربوط به فسادهای اقتصادی و همچنین سرکوب اطلاع‌رسانی درباره ناآرامی‌های سیاسی، تعداد روزنامه‌نگارانی که به دلیل فعالیت حرفه‌ای خود زندانی شده‌اند، افزایش چشم‌گیری داشته است.

نوید جمشیدی، سردبیر پایگاه خبری آسیا نیوز و روزنامه‌نگار اقتصادی در ایران، معتقد است طبق قوانین موجود، دولت باید متعهد به حمایت از روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها باشد، با این وجود، جایگاه روزنامه‌نگاری در ایران بسیار فجیع است و روزنامه‌نگاران از لحاظ مسائل صنفی و اقتصادی هم جزو مهجورترین و مظلوم‌ترین صنوفی هستند که در حال حاضر در کشور وجود دارند.

مجله حقوق ما در پیوند با وضعیت آزادی اطلاع‌رسانی در ایران با این روزنامه‌نگار گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما: به نظر شما روزنامه‌نگار کیست و چه تعهداتی باید نسبت به جامعه خودش داشته باشد؟

جمشیدی: به طور کلی، روزنامه‌نگار و روزنامه‌نگاری در جهان، پدیده‌ای است که شاهد نقش تأثیرگذار آن در سراسر دنیا، به‌ویژه کشورهای پیشرفته و غربی هستیم. اگر بخواهیم کشورهای اروپایی را به‌عنوان یک مجموعه موفق در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، حقوق بشر و آزادی‌های دیگر مثال بزنیم، خواهیم دید که پس از آغاز عصر روشنگری در قرن ۱۵ میلادی و به‌ویژه در قرن ۱۹، مطبوعات و روزنامه‌نگاری در جوامع اروپایی رشد چشم‌گیری داشته‌اند و همین امر منجر به بروز تحولات بسیار بزرگی در این کشورها شده به‌نحوی که امروزه، بسیاری از جوامع اروپایی و آمریکا که در جهان به‌عنوان مکان‌هایی مناسب برای زندگی نوع بشر شناخته شده‌اند، بخش بزرگی از پیشرفت خود را مدیون روزنامه‌نگاری و مطبوعات هستند.

در ایران هم با وجود اینکه هرگز مطبوعات آزاد وجود نداشته است اما پس از آغاز دوران مشروطیت، امر روزنامه‌نگاری در ایران جان گرفت. همان‌طور که می‌دانیم، از مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود. همچنین، به مدیا و مطبوعات و رسانه‌ها، رکن چهارم

مشروطیت هم می‌توان اطلاق کرد. روزنامه‌نگار وظیفه دارد با توجه به تخصصی که دارد، بر اتفاقات و رویدادهای اجتماعی نوافکن بیاندازد و در جایگاه خبرنگار، اخبار را با یک جهت مرتبط با فرهنگ و ادبیات آن کشور، انتقال دهد و در حوزه روزنامه‌نگاری تحقیقی و حوزه‌های دیگر هم مجموع رویدادها و اتفاقات را در کنار هم آنالیز کند. همچنین در زمینه انتقال اخبار، مهم‌ترین وظیفه روزنامه‌نگار این است که بدون تغییر مثبت یا منفی اخبار، بتواند تأثیر خود را در هدایت صحیح و درست و شفاف افکار عمومی جامعه داشته باشد.

به نظر من، کار روزنامه‌نگار، این است که در حوزه تخصصی‌ای که فعالیت دارد و همچنین با توجه به تسلطی که بر حوزه تخصصی خود دارد، بتواند با انعکاس گزارش‌های خود در یک رسانه، آن را در اختیار عموم و آحاد جامعه قرار دهد.

حقوق ما: با توجه به شرایطی که در حال حاضر در ایران بر مطبوعات و رسانه‌ها حاکم است، وضعیت روزنامه‌نگاری و آزادی اطلاع‌رسانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جمشیدی: متأسفانه روزنامه‌نگاری و مطبوعات در ایران، هیچ‌گاه شرایط مطلوبی نداشته است و از حدود ۱۵۰ سال قبل که روزنامه‌نگاری مدرن در ایران آغاز شده، بدترین وضعیت روزنامه‌نگاری را، در چهار دهه اخیر شاهد هستیم. گزارش‌های مختلف از سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان گزارشگران بدون مرز هم نشان می‌دهد که ایران در طی سال‌ها و دهه‌های اخیر، همواره به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین زندان‌های جهان برای روزنامه‌نگاران بوده است.

همچنین، در زمینه آزادی اطلاع‌رسانی هم محدودیت‌های بسیار زیادی وجود دارد و در اکثر اوقات که روزنامه‌نگاران بر اساس رسالت حرفه‌ای خود بخواهند خبر را فارغ از بُعد مثبت یا منفی آن به اطلاع افکار عمومی برسانند، متأسفانه برخوردهای قهری شدیدی با آنها صورت می‌گیرد. برخوردهایی که در ادامه چهار دهه برخوردهای قهری‌ای نظیر زندان، بازداشت و پرونده‌سازی است و همه این اقدامات، در راستای سیاست سانسور اعمال می‌شود.

هر زمانی که شاهد انتشار خبری [جنجالی] در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی هستیم، اولین برخورد حاکمیت با این مسائل، برخورد با روزنامه‌نگار یا روزنامه‌نگارانی است که این اخبار را منتشر کرده‌اند.

مطبوعات در ایران در چهار دهه اخیر، تنها مدت زمان کوتاهی پس از رویدادهای بهمن ۱۳۵۷ اندکی آزادی عمل پیدا کردند که آن هم به



# پیام امام خمینی برای پایان اعتصاب مطبوعات

برای استراحت شاه به خارج میروند

بختیار: اعلیحضرت سلطنت میکند، و دولت حکومت

صفحه ۲ ستون چهارم

کیهان

شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۷ - ۲ صفر ۱۳۹۸ شماره ۱۰۶۰۵

## کابینه بختیار معرفی شد

دکتر شاپور بختیار:



فردا،

جبهه ملی دعوت

صفحه ۳ ستون هفتم



حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی:

از مطبوعات که زیر بار دیکتاتوری و سانسور نرفتند تشکر میکنم

● مطبوعات به کار ادامه دهند تا تکلیف ملت با دولت غیر قانونی معلوم شود.

● پیام آیت‌الله‌العظمی

سعی می‌کنند مطبوعات و رسانه‌هایی در کشور خود داشته باشند. حقوق ما: به وضعیت حاکم بر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در ایران اشاره کردید، هیئت مدیره در این انجمن چطور انتخاب می‌شود و چه نهادی بر این انتخاب نظارت دارد؟

اتفاقاً در روزهای اخیر انتخابات انجمن برگزار شد، گفته می‌شود اعضای انجمن برای کارهای مختلف نظیر انتخاب هیئت مدیره، دادن جوایز یا معرفی آثار برتر و مواردی از این دست، رأی‌گیری انجام می‌دهند. بر اساس قانون، این انجمن صنفی باید زیر نظر وزارت کشور باشد اما همان‌طور که می‌دانیم، عملکرد وزارت کشور به عنوان یک وزارت خانه امنیتی، صرفاً منجر به ایجاد رعب در میان روزنامه‌نگاران و اعمال محدودیت و سانسور خواهد شد. مجموعه عواملی که گفته شد، سبب شده تا در نهایت، خروجی خاصی به عنوان یک انجمن صنفی در مفهوم صنفی و اقتصادی‌ای که از نهادهای مشابه در سایر کشورها شاهد هستیم، در ایران وجود نداشته باشد.

بازداشت روزنامه‌نگاران توسط نهادهای امنیتی، بیانیه‌های کوتاهی صادر کرده باشند اما به عنوان یک انجمن صنفی، بیش از این، اقدام عملی دیگری صورت نگرفته است. از طرف دیگر، خود اعضای این انجمن هم همواره در خطر برخوردهای امنیتی هستند و فشارهای اقتصادی بر رسانه‌ها و مطبوعات هم مزید بر علت شده است.

همه این عوامل در مجموع باعث ایجاد محدودیت زیادی شده که نه تنها روزنامه‌نگاران را برای فعالیت حرفه‌ای خود دچار مشکل کرده بلکه، همه فعالیت‌ها چه در قالب انجمن صنفی و چه در قالب فعالیت‌های شخصی روزنامه‌نگاران هم با منع و تهدید و در برخی موارد، با پیگردهای قضایی و امنیتی روبه‌رو کرده است.

متأسفانه در حال حاضر، در عمل هیچ اتحاد صنفی‌ای که حامی روزنامه‌نگاران باشد در کشور وجود ندارد.

همان‌طور که می‌دانیم، حکومت‌های توتالیتر و ایدئولوژیک، عموماً با ذات رسانه و مطبوعات به عنوان یکی از ارکان دموکراسی، مخالف هستند اما حتی چنین حکومت‌هایی برای حفظ ظاهر هم که شده

فشارهای اقتصادی شدید و ناجوانمردانه قرار دهند تا آنها توان ادامه حیات یا پرداختن به امور حرفه‌ای خود را نداشته باشند.

این فشارهای اقتصادی موجب شده تا در حال حاضر در کشور، روزنامه کاغذی مستقل به معنای واقعی کلمه، کمتر از انگشتان یک دست داشته باشیم. من و همکارانم هم به عنوان روزنامه‌نگار در ایران شاهد این فشارها هستیم و این محدودیت‌ها در پاره‌ای از موارد، باعث شده از بخشی از فعالیت خود به صورت ناخواسته عقب بنشینیم.

در این بین، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران که اخیراً مدتی هم تعطیل شده بود، متأسفانه علی‌رغم خواسته‌ها و مطالبات اعضای خود، از جمله من هم که یکی از اعضای این انجمن صنفی هستیم، نمی‌تواند به مطالبات روزنامه‌نگاران رسیدگی کافی داشته باشد.

این انجمن پس از گذراندن یک دوره تعطیلی و بعد از بازگشایی، با احتیاط زیاد، عمل می‌کند. در حال حاضر آقای عباس عبدی، دبیر و رئیس این انجمن هستند. این نهاد صنفی، ممکن است درباره

سرعت قلع و قمع شدند. همچنین در سال‌ها و دهه‌های اخیر، مانند وقایع تیرماه سال ۱۳۷۶ که منجر به توقیف روزنامه سلام شد، شاهد بودیم که مقام‌های حکومتی چه بلوایی برای فشار بر روزنامه‌نگاران برپا کردند. پس از دوم خردادماه ۱۳۷۶ [و روی کار آمدن دولت محمد خاتمی] این پندار در بین روزنامه‌نگاران ایجاد شده بود که امکان بیشتری برای انتشار آزادانه اخبار و مطالب وجود دارد و روزنامه‌های زیادی هم نظیر جامعه، صبح امروز، توس، آسیا و نظایر آن شروع به کار کردند. متأسفانه در مدت زمان کوتاهی پس از آغاز به کار این روزنامه‌ها، یکی پس از دیگری با تندترین برخوردها مواجه شدند. سعید مرتضوی که در آن زمان دادستان بود، به جلا مطبوعات مشهور شد که تیغ او به تن روزنامه آسیا هم خورد و این روزنامه هم تجربه توقیف به دست او را در سال ۱۳۸۲ و در دولت دوم اصلاحات داشت.

به نظر من، طبق قانون، دولت باید متعهد به حمایت از روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها باشد، با این وجود، جایگاه روزنامه‌نگاری در ایران بسیار فجیع است و روزنامه‌نگاران از لحاظ مسائل صنفی و اقتصادی هم جزو مهجورترین و مظلوم‌ترین صنوفی هستند که در حال حاضر در کشور وجود دارند.

حقوق ما: اشاره کردید به فشارهایی که بر روزنامه‌نگاران در ایران وجود دارد. در چند ماه اخیر چند خبرنگار صرفاً به دلیل افشای خبر قتل یا فساد اقتصادی و مواردی از این قبیل، با برخوردهای امنیتی و احکام حبس مواجه شده‌اند. به نظر شما نهادهای صنفی مرتبط با روزنامه‌نگاران، در چنین مواردی چه واکنشی باید داشته باشد؟ این نهادها نظیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، چه مکانیسم‌ها و ابزارهایی برای دفاع از حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران در اختیار دارد و تاکنون در این زمینه چه کرده است؟

جمشیدی: برای اینکه بتوانیم پاسخ روشنی به این پرسش بدهیم، نخست باید این پرسش را مطرح کنیم که «فشار بر روزنامه‌نگاران در ایران از چه طریقی انجام می‌شود؟» یک وجه این فشارها که بیش از همه برای افکار عمومی عیان شده، بخش سانسور، دستگیری و صدور احکام سنگین برای خبرنگاران است که عمدتاً به دست قوه قضائیه یا نهادهای امنیتی صورت می‌گیرد. اما بخش دیگری که کمتر به آن پرداخته شده، مواردی است که به تازگی قوت بیشتری هم گرفته و آن این است که نهادهای دولتی و نهادهای امنیتی، به صورت سازمان یافته تلاش دارند رسانه‌ها و مطبوعات را تحت



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)